

درس خواندن نمی‌صرفد

نسل تازه‌نفس مدرسه‌ای، حال و حوصله‌ای برای درس و کتاب و مدرسه ندارد.



نسل تازه نفس مدرسه ای، حال و حوصله ای برای درس و کتاب و مدرسه ندارد.

به گزارش ایسنا، روزنامه **دنیای اقتصاد** نوشت: «روزگاری بحث سر آن بود که مشتق و انتگرال دبیرستان به کار همه دیپلمه‌ها و زندگی واقعی نمی‌آید و دوره ژوراسیک و فسیل‌شناسی تنها تا ساعت پایان جلسه امتحان به کار می‌آید و لاغیر، اما حالا وضعیت دقیقا در مرحله اسفناک است. اگر از معدل دانش‌آموزان که به عدد ۵/۱۱ در کشور رسیده است، بگذریم و نمره محور نباشیم و کیفیت را هم بخواهیم چاشنی ماجرا کنیم، به توانایی خواندن شان می‌رسیم. طبق گفته معاون سابق آموزش و پرورش ۴۴ درصد دانش‌آموزانی که پایه چهارم دبستان را گذرانده‌اند، توانایی خواندن یک متن ساده را ندارند. آنها آینده‌ای رنگی می‌خواهند که اصلا از مدرسه و دانشگاه راهش نمی‌گذرد. بر خلاف دهه‌های پیشین که اول باید دانشگاه می‌رفتند و بعد در مورد آینده و شغل تصمیم‌گیری می‌کردند. اما وضعیت سواد خواندن و نوشتن را نمی‌توان نادیده گرفت. این بنا از ریشه و پای بست ویران است. بچه‌های مدرسه‌ای در خواندن متن‌های ساده هم تپق می‌زنند.

در آمارگیری که «دنیای اقتصاد» از جمعی دانش‌آموزان پایه هشتم و نهم انجام داده است، آنها عدم تطابق دروس با نیازها و عدم علاقه به موضوعات را از جمله دلایل خود برای درس نخواندن اعلام کرده‌اند. گروه انتخابی در زمره کسانی هستند که عمدتا نمرات آنها پایین‌تر از ۱۵ یا ۱۰ است. دکتر علی حسینی‌خواه، کارشناس مطالعات برنامه درسی، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با تاکید بر قدیمی بودن شیوه تدریس، عدم جذابیت موضوعات و گرافیک محتوای درسی، عدم استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی که در دنیا موفق بوده را از جمله دلایل وضعیت کنونی آموزشی و سطح سواد دانش‌آموزان اعلام می‌کند. به گفته او، راه نجات بازگشت متون قدیمی در زبان و ادبیات فارسی است.

ساز ناکوک شغل‌های مدرن با محتوای کهنه درسی

دانش‌آموزان دختر پایه‌های هشتم و نهم که مورد سوال قرار گرفتند، طراحی لباس، نوازندگی، وکالت، بازیگری، طراحی چهره، کارآگاه و پلیس را به عنوان شغل آینده خود انتخاب کرده‌اند. بیش از ۵۰ درصد این گروه، آینده خود را در خارج از کشور می‌دانند. یکی خود را در کسوت داروساز در فرانسه یا ژاپن می‌بیند و دیگری می‌خواهد کنسرتی دور دنیا بگذارد. تعدادی از این دانش‌آموزان هنوز شغل خود را پیدا نکرده‌اند و به قول خودشان «بلا تکلیف»‌اند اما یک نکته را همگی مطمئن هستند. این درس‌ها را دوست ندارند، محتوای دروس را بی‌معنا می‌دانند که هیچ ارتباطی با آمال و آرزوهایشان ندارد. در کنار این موضوعات، عدم جذابیت معلم‌ها، از نظر کلامی و فکری است؛ چنان‌که تفکرات قدیمی آنها برای شان آزاردهنده است. بی‌اطلاعی معلمان از دنیای مدرن و علاقه‌مندی‌های آنها و گاه به‌سخره گرفتن آن‌ها از دیگر دلایلی می‌دانند که بین آنها و مدرسه و معلم‌ها فاصله انداخته است.

تحلیل زبان و ادبیات فارسی

دکتر علی حسینی‌خواه، کارشناس مطالعات برنامه درسی، در تحلیل سیر نزولی سواد دانش‌آموزان می‌گوید: «نگاه به ادبیات و زبان فارسی، تخصصی و علمی نیست و روی آن کار نمی‌شود. به علاوه، معلمان حرفه‌ای برای این ساخت تربیت نشده‌اند.» به گفته او، ظرف یک قرن گذشته در آمریکا موضوع ناتوانی خواندن و نوشتن دیپلمه‌ها مورد بررسی قرار گرفته، اما این مشکل ظرف چند دهه گذشته به صورت اپیدمی در ایران درآمده است. در حالی که قدیمی‌ها با چند کلاس سواد توان خواندن متن‌های سنگین را داشتند و حتی معلم می‌شدند. اکنون وضعیت سواد به گونه‌ای شده که دانشجویان توان خواندن و نوشتن یک متن بدون غلط را ندارند.

او می‌گوید: «باید زبان فارسی احیا شود. در این زمینه باید از ادبیات قوی در کتاب‌ها استفاده شود. همچنین باید تحلیل شود که چه متدی اکنون برای آموزش جواب می‌دهد. در عین حال باید مربیان متخصص ادبیات در مدارس به کار گرفته شوند.»

ناهماهنگی محتوای دروس و ذائقه‌ها

به گفته دکتر حسینی‌خواه، در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ در مطالعه تطبیقی تدریس زبان انگلیسی در مدارس ایران و سوئد، به این نتیجه رسیده‌اند که کتاب‌های درسی ایران محتوای قدیمی دارند و حتی در صورت تغییر، متناسب با نیاز، عالم واقعی و سن و سال کودک نیست. او می‌گوید: «کتاب‌ها از لحاظ گرافیکی و محتوا که می‌تواند از جمله عوامل جذب کودک باشد، متناسب طراحی نشده است. آنها برای تدریس از مجموعه‌های آموزشی که شامل کتب مختلف و وسایل سرگرم‌کننده است، استفاده می‌کنند. در صورتی که می‌خواهیم سطح کیفی مدارس و کتب را ارتقا دهیم، باید از کتاب درسی خارج شویم و به پکیج آموزشی روی بیاوریم و به زیباشناسی و کیفیت طراحی نیز توجه کنیم. در این زمینه ناشران خصوصی از دولتی عملکرد بهتری دارند.»

به گفته او برای اصلاح امور باید کار را به دست متخصصانی داد که از تحولات دنیا مطلع هستند و نه افراد پرادعایی که پایشان را از کشور بیرون نگذاشته‌اند. با توجه به تجربه‌ای که کشورهای پیشرفته در حوزه آموزشی داشته‌اند، می‌توانیم از نگاه و روش آنها

استفاده کنیم.

زنگ ها برای کسی به صدا در نمی آید

سال های سال است نسبت به روش های کهنه ای که دیگر پاسخگو نیست و افت دانش آموزان هشدار داده شده است اما کسی به آن توجهی نمی کند. دکتر حسینی خواه می گوید: «در صورتی که نظام آموزشی غیرمتمرکز یا نیمه متمرکز بود، امکان انجام اصلاحات خرد در آن وجود داشت و اختیاراتی داشت. اما در نظام متمرکز دولت باید مجاب شود که بچه ها عقب افتاده اند و بی سواد هستند.»

او می گوید: «وضع در مدارس غیر انتفاعی متفاوت است. چنان که در سه سال کرونا، آنها با توجه به سرمایه ای که داشتند علاوه بر شبکه شاد، از دیگر شبکه های اجتماعی نیز استفاده و در تعطیلات توانستند از بچه ها محافظت کنند.»

بازار رنگ و رو رفته کنکور

کنکور به یک بازار و تجارت تبدیل شده که تنها پولدارها برنده آن هستند. موضوعی که بیش از پیش بر طبل بی عدالتی آموزشی نواخته است. حسینی خواه می گوید: کسانی که توان مالی تحصیل در مدارس غیر انتفاعی و گذراندن آزمون های هفتگی را دارند، رشته های خوب دانشگاه را تصاحب می کنند. قشری که توان مالی بالا دارد و افشار فقیر و متوسط یا به دانشگاه نمی رسند یا مجبورند به صورت تصادفی دست به انتخاب رشته بزنند که در این صورت تبدیل به متخصص و کارشناس نمی شوند. به گفته او، اقبال دانشگاه سیر نزولی پیدا کرده و نسل جدید به این نتیجه رسیده است که راز موفقیت رفتن به دانشگاه نیست. البته طبق استاندارد دنیا، مثلاً در جایی مانند اروپا ۵۰ درصد دانش آموزان به مدارس فنی حرفه ای در مقطع دبیرستان می روند و دولت هم برای این گروه شغل ایجاد می کند.

البته این فرهنگ در ایران وجود ندارد. کارشناس مطالعات برنامه درسی می گوید: «جامعه ای که همه برای رفتن به دانشگاه ترغیب شوند، به مرور بیچاره می شود، زیرا هارمونی جامعه به هم می ریزد؛ موضوعی که در ایران رعایت نمی شود.» به گفته او، بالارفتن میانگین سواد جامعه بالاتر از نقطه خطرناک است؛ چرا که ریسک پذیری افراد و ایجاد کسب و کار و کارآفرینی را پایین می آورد. به همین دلیل جوامع پیشرفته اجازه نمی دهند سطح سواد از حدی بالاتر رود. همچنین دیده بان جهانی کارآفرینی اعلام کرده که ۸۰ درصد از کارآفرینان برتر جهان دیپلم و زیر دیپلم بوده اند. زیرا مدرک بالا با کارآفرینی رابطه عکس دارد. به همین دلیل است که اقتصاد ما فلج شده، زیرا آدم کارآفرین و خلاق نداریم.»